

Medical Ethics and Law  
Research Center

# Tārīkh-i pizishkī i.e., Medical History

2025; 17: e16

Shahid Beheshti  
University of Medical Sciences

## A Study of the Medical Licensing Process in Iran from the Qajar Period to the End of the First Pahlavi Period

Hasan Zandiyeh<sup>1\*</sup>, Maede Samavati<sup>1</sup>

1. Department of History, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran.

### ABSTRACT

**Background and Aim:** During the Qajar period, physicians practiced medicine using traditional methods inherited from their ancestors. The absence of an organization for training or supervising their activities was felt as a fundamental Problem. Following Iran's defeat in the Russo-Persian Wars, opportunities for increased interaction with Europeans emerged. The Constitutional Revolution brought about a tremendous transformation in all aspects of the country, leading to the emergence of medical regulations and the requirement for obtaining licenses. However, since these regulations were not properly implemented, reforms were introduced during the first Pahlavi era. Based on these reforms, physicians were required to take medical exams and upon passing, they would receive practice licenses. This article aims to conduct an innovative study examining the process of issuing medical licenses to Iranian graduates during the Qajar and first Pahlavi periods.

**Methods:** This research has utilized library and documentary sources, adopting a historical and descriptive approach to analyze the subject.

**Ethical Considerations:** In this research, honesty and trustworthiness in the use to sources have been respected.

**Results:** The investigations indicate that physicians had to go through a specific administrative process to obtain their certification. The medical license was considered a document that verified the physician's scientific and practical competence, enabling people to trust them for treating illnesses.

**Conclusion:** Medical licenses reflected society's efforts to embrace modern science, ensure the qualifications of physicians, reduce the risks associated with traditional medicine and ultimately eliminate unqualified practitioners. Despite internal and external challenges, educational developments and Iran's engagement with modernity ultimately contributed to improving the quality of life.

**Keywords:** Historical Documents; Medical License; Iranian Physicians; Qajar; Pahlavi I

**Corresponding Author:** Hasan Zandiyeh; **Email:** [Zandiyehh@ut.ac.ir](mailto:Zandiyehh@ut.ac.ir)

**Received:** May 08, 2025; **Accepted:** June 25, 2025; **Published Online:** September 21, 2025

### Please cite this article as:

Zandiyeh H, Samavati M. A Study of the Medical Licensing Process in Iran from the Qajar Period to the End of the First Pahlavi Period. *Tārīkh-i pizishkī, i.e., Medical History*. 2025; 17: e16.



## مجله تاریخ پزشکی

دوره هفدهم، ۱۴۰۴



## بررسی روند صدور مجوز طبابت در ایران از دوره قاجار تا پایان دوره پهلوی اول

حسن زنده‌یه<sup>۱\*</sup>، مائده سماواتی<sup>۱</sup>

۱. گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

## چکیده

**زمینه و هدف:** در دوره قاجار اطبا به روش سنتی که از اجداد خود به ارث برده بودند، طبابت می‌کردند و نبود نهادی برای آموزش و یا نظارت بر فعالیت آنان، به عنوان مشکل اساسی احساس می‌شد. پس از شکست ایران در جنگ روسیه، بستری برای ارتباط بیشتر با اروپاییان فراهم آمد. نهضت مشروطه تحولی عظیم در همه ارکان کشور به وجود آورد و به دنبال آن، انتشار قانون‌نامه طبی و الزام به اخذ تصدیق اهمیت پیدا کرد، اما از آنجا که این نظام‌نامه به درستی اجرا نشد، در دوره پهلوی اول اصلاحاتی در آن صورت گرفت که بر اساس آن، اطبا می‌بایست در آزمون پزشکی شرکت نموده و پس از قبولی اجازه‌نامه برایشان صادر می‌شد. مقاله پیش رو به عنوان پژوهشی بدیع در نظر دارد، روند صدور مجوز طبابت در ایران از دوره قاجار تا پایان پهلوی اول را مورد بررسی قرار دهد.

**روش:** این پژوهش با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی و با رویکردی تاریخی و توصیفی به تحلیل موضوع پرداخته است.

**ملاحظات اخلاقی:** در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

**یافته‌ها:** بررسی‌ها نشانگر این موضوع است که اطبا برای دریافت تصدیق‌نامه می‌بایست روند اداری ویژه‌ای را طی می‌کردند. جواز طبی به عنوان مدرکی تلقی می‌شد که توانمندی طبیب را از نظر علمی و عملی مورد تأیید قرار می‌داد و مردم می‌توانستند برای درمان بیماری‌ها به آنان اعتماد کنند.

**نتیجه‌گیری:** مجوزهای پزشکی بازتابی از تلاش جامعه برای پذیرش علوم جدید، تضمین صلاحیت علمی طبیبان، کاهش خطرات ناشی از طبابت سنتی و در واقع ابزاری برای حذف پزشکان غیر متخصص بود. تحولات آموزشی و تعامل ایران با مدرنیته، به رغم چالش‌های داخلی و خارجی که در مقابل این مسیر وجود داشت، در نهایت سبب بهبود کیفیت زندگی می‌شد.

**واژگان کلیدی:** اسناد تاریخی؛ مجوز طبابت؛ طبیبان ایرانی؛ قاجار؛ پهلوی اول

نویسنده مسئول: حسن زنده‌یه؛ پست الکترونیک: [Zandiyehh@ut.ac.ir](mailto:Zandiyehh@ut.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۴؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۶/۳۰

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Zandiyeh H, Samavati M. A Study of the Medical Licensing Process in Iran from the Qajar Period to the End of the First Pahlavi Period. *Tārīkh-i pizishkī*, i.e., *Medical History*. 2025; 17: e16.

## مقدمه

فضای پزشکی در دوره قاجار، با کمبود شدید امکانات بهداشتی و مراکز درمانی، تعداد ناکافی پزشکان تحصیل کرده و وضعیت نامناسب اقتصادی رو به رو بود و تغییرات نیز به کندی و ناکافی صورت می‌گرفت. دانش طبابت عمدتاً به صورت تجربی و از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یافت و گاهی با باورهای عامیانه و خرافات آمیخته می‌گردید (۱). پس از شکست ایران در جنگ با روسیه، فتحعلی‌شاه و عباس‌میرزا نایب‌السلطنه به سرعت دریافته‌اند که برای مقاومت در برابر روسیه و بیرون‌راندن آنان از گرجستان، باید به سلاح‌های مدرن و روش‌های نوین نظامی روی آورند (۲). ناپلئون بناپارت (Napoleon Bonaparte) که رؤیای تأسیس امپراتوری شرقی با فتح هندوستان را در سر می‌پروراند، نیازمند عبور سپاهیان از ایران بود. از این رو یک هیأت نمایندگی فرانسوی برای کسب اجازه عبور از خاک ایران به دربار فتحعلی‌شاه روانه شد (۳). هیأت دیگری از فرانسه به سرپرستی ژنرال گاردان (Gardanne) به همراه بیست و پنج افسر و دو کشیش و یک پزشک و تعدادی سرباز و مستخدم به تهران وارد شد. حضور این هیأت‌های فرانسوی موجب برتری یافتن علم و فرهنگ فرانسه در ایران گردید (۴). یکی دیگر از راه‌های پیش رو برای کسب علوم جدید، اعزام محصل به اروپا بود. محصلین ایرانی با هدف آموزش فرهنگ و تمدن پیشرفته اروپایی و فراگرفتن زبان و علوم و فنون مختلف غربی که به پیشرفت نظامی و ترقی کشور بینجامد، به فرانسه اعزام شدند (۵)، اما با وجود این تغییرات، طبیبان همچنان به روش‌های قدیمی به طبابت می‌پرداختند و این اقدامات نتوانست تغییر شگرفی در وضعیت پزشکی ایران ایجاد کند.

در دوره سلطنت ناصرالدین‌شاه و صدرات امیرکبیر تحولاتی در زمینه آموزش رخ داد. تأسیس مدرسه دارالفنون و رشته طب، نهادمندترین رهیافت پزشکی در این بازه زمانی به شمار می‌رفت. بعد از پیروزی مشروطیت، شرایط حاکم بر جامعه قدری آرام‌تر و باثبات‌تر شد و نظم تازه‌ای برقرار گردید (۶). در ادامه تدوین قوانین و مقررات در حوزه طبابت و بهداشت

همراه با تغییرات ساختاری و سیاستگذاری متمرکز در عرصه سلامت، شکل نظام‌مندتری به خود گرفت. تصویب قانون طب و طبابت توسط نمایندگان مجلس شورای ملی از اقداماتی بود که در راستای بهبود وضعیت سلامت در ایران انجام شد (۷). در پی تصویب این قانون‌نامه و الزام طبیبان برای دریافت مجوز، اطبا می‌بایست فرآیند اداری مشخصی را طی می‌کردند. این روال منجر به تولید مجموعه‌ای از اسناد و مجوزهای رسمی شد که موضوع اصلی پژوهش پیش رو را تشکیل می‌دهد. آنچه به عنوان ابهام علمی جدی قلمداد گشته و رفع آن پژوهشی عمیق و مستدل طلب می‌نماید، عبارت است از:

۱- اهمیت صدور مجوزهای طبابت به عنوان شاخصی از تحولات آموزشی و اجتماعی چه بود؟ ۲- مجوزهای طبابت از دوره قاجار تا پایان پهلوی اول، به لحاظ محتوایی و ظاهری شامل چه مواردی بودند؟

تعداد پژوهش‌هایی که محور اصلی آن‌ها اسناد و آن هم مجوزهای پزشکی باشد، چندان قابل توجه نیست. از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به مطالعات ذیل اشاره کرد:

محسن روستایی، «طب و طبابت در ایران (از عهد قاجار تا پایان عصر رضاشاه) به روایت اسناد»، تهران، انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی، ۱۳۸۲.

جلد اول این کتاب به تاریخچه طب و اوضاع بهداشت و درمان، نظام‌نامه طبابت و مجوزهای طبی و جلد دوم به معرفی رجال طبی و بازخوانی اسناد اختصاص یافته است. این اثر از آن جهت که به چگونگی صدور مجوزهای طبابت پرداخته، با پژوهش حاضر تفاوت دارد.

محسن گنج‌بخش زمانی، «تاریخ پزشکی به روایت اسناد»، تهران، مؤسسه فرهنگی و حقوقی سینا، ۱۳۹۲.

این کتاب بر اساس اسناد وزارت امور خارجه تنظیم گردیده و به بررسی بهداشت شهری، تأسیس دارالفنون، ورود پزشکی جدید، ناکافی بودن پزشکان، نظامات مربوط به طبابت، مجوزهای طبی و شیوع بیماری‌های واگیردار پرداخته است و از آن جهت که فرایند صدور مجوزهای طبی را مورد بررسی قرار نداده، با مقاله پیش رو متفاوت است.

الهام پروازی و مهدی عزتی، «بررسی چگونگی صدور اولین تصدیق‌نامه‌های طبابت پزشکان همدان در عصر قاجار»، مجله تاریخ پزشکی، دوره چهاردهم، شماره ۴۷، (دانشگاه رازی کرمانشاه)، پاییز ۱۴۰۱.

این مقاله به اوضاع طبابت در جامعه ایران می‌پردازد و نخستین تصدیق‌نامه‌های طبای همدان را بررسی می‌کند. اسناد ارائه‌شده از لحاظ محتوا و یا شکلی بررسی نگردیده‌اند، لذا با پژوهش حاضر متفاوت می‌باشد.

با مقایسه و تحلیل یافته‌های سایر مطالعات درمی‌یابیم که پژوهشی به صورت مستقل و منسجم در باب روند صدور مجوزهای طبابت در ایران از دوره قاجار تا پایان پهلوی اول از منظر شکلی و محتوایی مورد بررسی قرار نگرفته است.

## روش

این پژوهش با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی و با رویکردی تاریخی و توصیفی به تحلیل موضوع پرداخته است. در بازه زمانی تعیین‌شده ۶۵ سند مشاهده و مطالعه گردید، اما فقط ۲۰ سند مورد استفاده قرار گرفت. برای دسترسی و دریافت اسناد این پژوهش به تمامی سازمان‌های اسناد کشور رجوع و فقط اسناد از کتابخانه مجلس شورای اسلامی و سازمان اسناد و کتابخانه ملی تهیه شد.

## ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

## یافته‌ها

بررسی‌ها نشان می‌دهند که اطبا برای دریافت تصدیق‌نامه می‌بایستی روند اداری ویژه‌ای را طی می‌کردند. جواز طبی به عنوان مدرکی تلقی می‌شد که توانمندی طبیب را از نظر علمی و عملی مورد تأیید قرار می‌داد و مردم می‌توانستند برای درمان بیماری‌ها به آنان اعتماد کنند. پزشکی سنتی دوره قاجار، بر اساس کتب کهن جالینوس، بقراط، رازی و ابوعلی

سینا و نظریه مزاج‌های چهارگانه (دموی، بلغم، سودا و صفراء) استوار بود (۸). اطبا علاقه خاصی به تجویز مسهلات داشتند، به طوری که بیماران مجبور بودند مسهل‌های بدطعم را مصرف کنند (۹). علاوه بر آن، خرافات در سطح گسترده‌ای به شیوه‌های درمانی نفوذ کرده بود. طبیبان پس از معاینه استخاره می‌کردند. در صورت خوب‌بودن استخاره، دارو را تجویز می‌نمودند و در غیر این صورت مدعی می‌شدند که درمان به صلاح بیمار نیست (۱۰). با وجود فراهم‌بودن زمینه‌های آشنایی با پزشکی مدرن، مردم برای درمان بیماری‌ها به دعانویسان مراجعه می‌کردند، چراکه پزشکان سنتی از منزلت اجتماعی بالاتری نسبت به تحصیل‌کردگان فرنگ‌رفته نزد عامه مردم برخوردار بودند (۱۱). همچنین مردم معتقد بودند که پزشکان سالخورده تجربه بیشتری نسبت به پزشکان جوان دارند (۶). تنها راه مدرنیزه کردن پزشکی در ایران، ایجاد تغییر در نگرش پزشکی و تحول در عرصه سلامت بود (۱۲). برخی از پزشکان مطب یا محل ثابتی برای طبابت نداشتند و در هر روستایی که عبور می‌کردند، مدت کوتاهی اقامت می‌نمودند. به همین دلیل، اگر پزشکی موجب مرگ بیمار می‌شد، امکان دسترسی به او وجود نداشت و هیچ‌گاه مسئولیتی در قبال درمان پذیرفته نمی‌شد (۱۳). همین موارد موجب شد تا اولین توجهات به سنجش دانش پزشکان معطوف شود تا تعداد کمتری از مردم به دلیل درمان‌های نادرست به کام مرگ کشیده شوند.

## بحث

۱. پیشینه مجوزهای طبابت: بحث تصدیق طبابت مربوط به دوره معاصر نیست و پیشینه آن به دوره مقتدر عباسی بازمی‌گردد. در سال ۳۱۹ قمری سهل‌انگاری یکی از اطبا در معالجه، موجب فوت مریضی شد، لذا خلیفه مقتدر فرمانی صادر کرد که در بغداد تنها کسانی حق طبابت دارند که بتوانند سنان بن ثابت حرآنی را از شایستگی، قابلیت و کاردانی خود قانع و راضی سازند (۱۴). چنانچه در «تاریخ الحکماء قفطی» آمده است: «در سنه تسع عشره و ثلاثاء، به عرض

خارجی و در نهایت پرداخت مبلغ پنج تومان توسط متقاضی. همچنین برای متخلفان، ابتدا اخطار و در صورت تکرار، مجازات زندان از چهار ماه تا یک سال پیش‌بینی شده بود (۱۹).

اما از آنجایی که در دوره قاجار هر کس با تهیه مدارکی و با پرداخت هزینه تمبر می‌توانست جوازی را در دست بگیرد و خود را طبیب بنامد، این نظام‌نامه درست اجرا نشد. فریدالدوله همدانی در روزنامه گلگون به این موضوع اشاره کرده است: «اطبا می‌بایستی تصدیق داشته باشند، شروع کردند به تهیه مدارک از داخله یا خارجه. چند نفر از این اشخاص چند سال مشغول طبابت {بوده‌اند}، یعنی به گورفرستان مردم بوده! هر کس پنج تومان داد، اجازه‌نامه طبابت گرفت.»

الزام به دریافت جواز نیازمند فراهم آوردن سازوکارهایی متناسب با شرایط و احوال آن کشور است و نه آنکه فقط تقلیدی از کشورهای اروپایی. بایستی نسخه‌ای درونی‌شده با فرهنگ، تمدن، آداب و رسوم جامعه پیکربندی بشود. همدانی در جایی دیگر آورده است: «اوضاع درخشان صحی ممالک دنیا، چشم‌های ما را خیره کرد و ما هم خواستیم از آنها تقلید کرده و یا اصلاحی در اوضاع صحیه مملکت خود ایجاد کنیم، اما چطور؟ شنیده بودیم که در آنجا دکترها بدون تصدیق‌نامه دولتی حق طبابت ندارند، ما هم این قانون را در ایران رواج دادیم» (۲۰).

پس از حکومت قاجاریه و استقرار دولت پهلوی، فرآیند مدرن‌سازی پی‌گرفته شد. یکی از ملاک‌ها و نمادهای مدرن‌سازی آن روز، توجه به وضعیت بهداشتی و ارتقای آن و سعی در بهبود وضعیت سلامت عمومی جامعه، با تشکیل مراکز آموزشی جدید همچون دانشکده پزشکی، اعزام دانشجویان به خارج از کشور، ساخت درمانگاه و بیمارستان‌ها و اصلاح قوانین طب و طبابت بود. این قانون‌نامه مشتمل بر سه ماده در شهریور ماه ۱۳۰۶ شمسی اصلاح شد و در تاریخ ۲ آذرماه همان سال با الحاقیه‌ای به تصویب مجلس شورای ملی رسید. در این نظام‌نامه آمده است که اطبایی که ده سال متوالی طبابت کرده‌اند، می‌توانند در آزمونی که برگزار می‌شود،

مقتدر رسید که یکی از اطبا، درباره مریضی اشتباهی کرده و به هلاکت مریضی انجامیده است، لهذا بفرمود به ابوطبیحه تا منع نماید اطبا را از مباشرت علاج مگر کسی را که به خدمت سنان رسیده و او را امتحان نموده، رقعهای مشتمل بر رخصتِ تصرف داده باشد» (۱۵).

بغداد اولین شهری نبود که روش مزبور را اتخاذ کرد. در خیره نیز سال‌های قبل از آن این کار انجام می‌شد. به گفته ابن خمار برحسب دستور خوارزمشاه رساله برای آزمایش اطبا تهیه کرده بودند (۱۶) و امتحان به صورت شفاهی و پرسش و پاسخ انجام می‌گرفت. دوره صفویه افراد تحصیل کرده، شرافتمند و کارآزموده از طریق طبیب اجازه اشتغال به این حرفه را به دست می‌آوردند و تعداد این افراد به مراتب بیشتر از کسانی بود که بدون مجوز قانونی به درمان بیماران می‌پرداختند (۱۷).

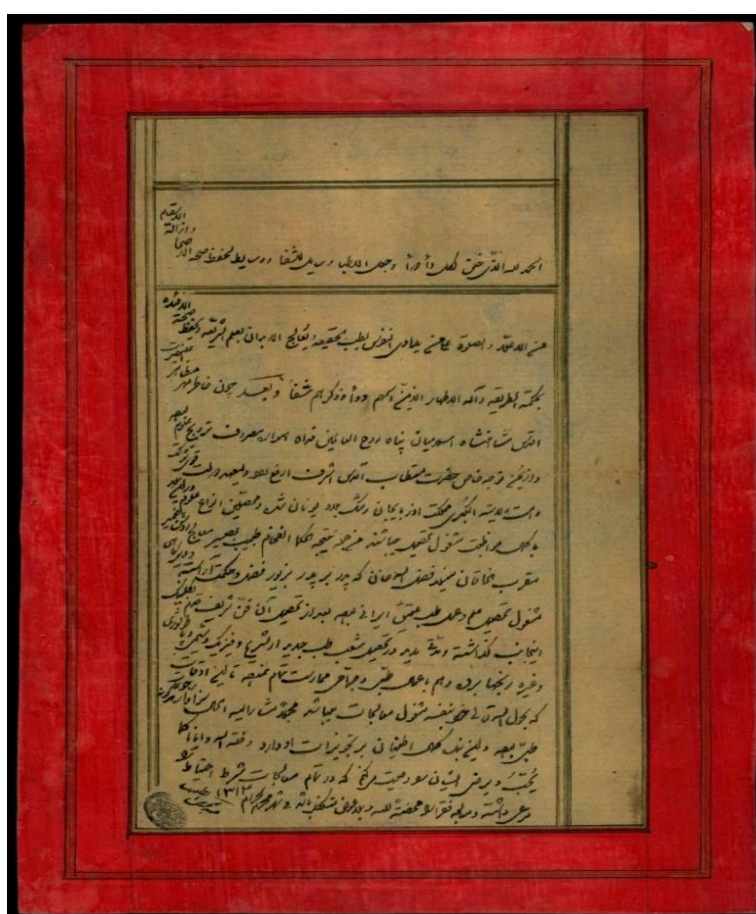
در دوره قاجار، سال ۱۲۶۷ قمری برای اولین بار در تاریخ ایران مقرر شد که تصدیق‌نامه طبابت اخذ گردد تا بدین ترتیب هر کس نتواند خود را پزشک بنامد. بر اساس دستور اعتضادالسلطنه که در «روزنامه دولت علیه ایران» (۱۲۷۹ ق.) منتشر گردید، ضمن اشاره به موضوع تصدیق پزشکی، مقرر گشت اسامی طبیبانی که گواهی‌نامه طبابت دریافت کرده‌اند، در روزنامه مزبور در شماره‌های آتی اعلام شود (۱۸). بعد از عزل امیرکبیر، اصلاحات او متوقف گردید و به تبع آن، صدور مجوزهای طبابت نیز به حاشیه رفت. این روند تا وقوع انقلاب مشروطه ادامه یافت. پس از مشروطه، در تمامی جنبه‌های مختلف، قوانین متعددی به تصویب رسید. اساسنامه مربوط به طب و طبابت در سیزده ماده، در تاریخ سوم جمادی‌الثانی ۱۳۲۹ قمری و در دوره دوم قانونگذاری مجلس شورای ملی تصویب شد. ماده اول این قانون‌نامه به صراحت اشاره دارد که در هیچ نقطه‌ای از کشور کسی حق ندارد بدون اخذ مجوز رسمی به فعالیت پزشکی بپردازد و تنها دارندگان جواز رسمی مجاز به طبابت بودند. شرایط دریافت مجوز نیز به این شرح تعیین شده بود: اولاً دارابودن مجوزهای صادره از مدارس دولتی ایران؛ ثانیاً دارابودن گواهی‌نامه‌های معتبر از کشورهای

یونانی، نسخه‌نویسی و مهارت‌های لازم را فرا می‌گرفتند، پس از احراز صلاحیت توسط اطبای حاذق، اجازه‌نامه‌ای دریافت می‌کردند که توانایی تشخیص بیماری و طبابت آنان را تأیید می‌کرد (تصویر ۱). همچنین در مواردی، این مهارت‌ها به صورت موروثی از پدر به پسر منتقل و از دانش و نوشته‌های پیشینیان استفاده می‌شد.

امتحان دهند و در صورت قبولی جواز برایشان صادر می‌گردد (۲۱). با تصویب قانون جدید عملاً طبیبان بدون اجازه‌نامه و دیپلم طبی و قبولی در آزمون، از طبابت محروم می‌شدند، اما در نهایت اطبای سنتی جای خود را به طبیبان با علم مدرن و مدرک طبی دادند (۲۲).

## ۲. انواع اجازه‌نامه طبی

۱-۲. اجازه‌نامه‌هایی که پیش از تأسیس دارالفنون صادر می‌شد: محصلانی که به صورت کارآموز نزد استادان، طب



تصویر ۱: اجازه‌نامه وثوق الحکما که توسط رکن الحکماء طبیب، سال (۱۳۱۴ ق.) در دوره قاجار صادر شده است.

ساکما (نام اختصاری سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران) - ۰۰۰۴-۰۲۴۶۸۴-۰۲۹۶.

علوم طبیعی، فیزیک، شیمی، داروسازی و دروس عمومی مانند فارسی، عربی، ریاضی، تاریخ، جغرافیا، طب قدیم، زبان فرانسه و روسی بود (۲۳). مدت تحصیل در ابتدا ۷ سال بود که بعدها به ۵ سال کاهش یافت. مدرسه طب از شعب مهم

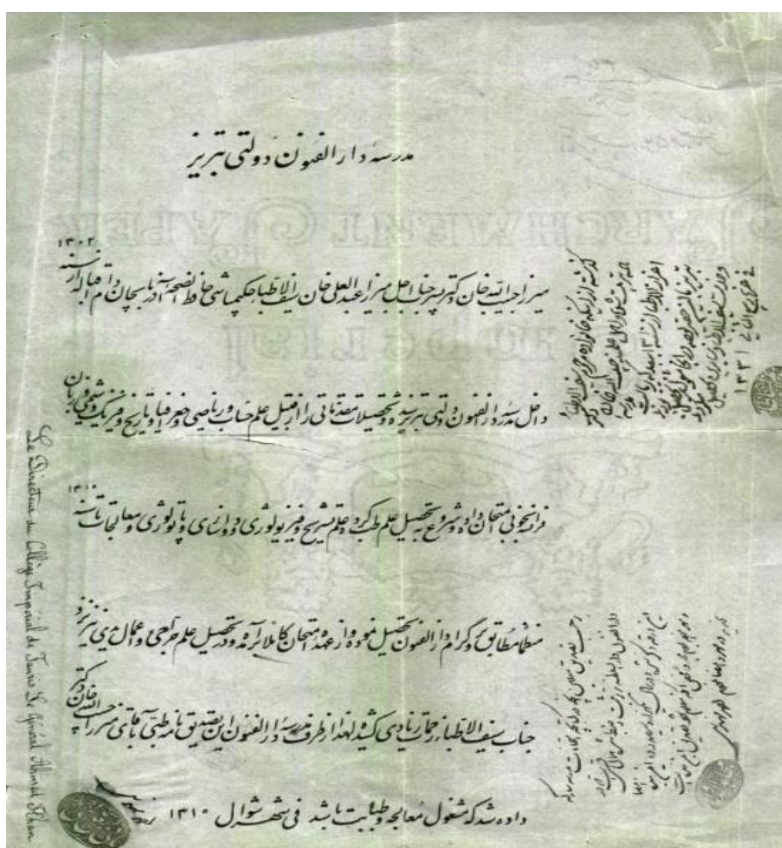
۲-۲. تصدیق‌نامه‌های صادره از دارالفنون: اندیشه تأسیس دارالفنون تهران پس از سفرهای خارجی و مشاهده مدارس فنی، صنعتی، نظامی و پزشکی در روسیه و عثمانی شکل گرفت. دروس ارائه‌شده در دارالفنون شامل پزشکی و جراحی،

منجر به تربیت صاحب‌منصبان و پزشکان شد (۲۶). اعتمادالسلطنه درباره این مدرسه می‌نویسد: «جمع علوم و لغات و صنایع و صناعات که در مدرسه دولتی دارالخلافه تهران تکمیل می‌شود، در مدرسه تبریز نیز تحصیل می‌گردد و اینک گروهی بسیار از مرخصین تلامیذ مدرسه تبریز که صاحبان تمیز و امتیازند، در دوائر نظامی و غیرها به خدمات می‌پردازند» (۲۷).

این مدرسه به نام مظفرالدین میرزا، ولیعهد وقت، «مظفریه» نامیده شد (۲۸). دانش‌آموختگان پس از پایان دوره، تصدیق‌نامه دریافت می‌کردند و مجاز به مداوای بیماران یا اشتغال در سمت‌های دولتی بودند (تصویر ۲).

دارالفنون به شمار می‌رفت و پس از پایان دوره، به دانش‌آموختگان موفق، مدرکی اعطا می‌شد که به «دیپلم چهارخانه» معروف بود (۲۴). در دوره مظفری، به دلیل بی‌اعتمادی و بدبینی نسبت به دارالفنون تهران، تلاش‌هایی برای کم‌رنگ کردن نقش این مدرسه صورت گرفت. محبوبی اردکانی در این باره می‌نویسد: «برای بی‌اثرگذار کردن مدرسه دو راه انتخاب شد: یکی آوردن افسران شورشی ایتالیایی در مقابل معلمین اطریشی که از همان روز اول ایتالیایی‌ها مانع انجام کار صحیح اطریشی‌ها بشوند؛ دیگر توأم کردن سیاست با تدریس و یا به عبارت واضح‌تر، ترسانیدن شاه از مدرسه و اهل مدرسه» (۲۵).

در چنین شرایطی، مدرسه دارالفنون دیگری در تبریز تأسیس شد که در آن دروس نظامی و پزشکی تدریس می‌گردید و



تصویر ۲: تصدیق طبابت میرزا حبیب‌الله‌خان از مدرسه دارالفنون دولتی تبریز در سال ۱۳۱۰ قمری

ساکما - ش ۰۲۱۶۴۸-۰۲۹۷.

اطبای سنتی حق فعالیت نداشته باشند، بلکه مطابق قانون، آنان نیز می‌بایست در امتحانات مشخصی شرکت کرده و در صورت قبولی، اجازه‌نامه دریافت کنند (تصاویر ۳ و ۴).

۲-۳. پس از اعلان مربوط به قوانین طب و طبابت: در سوم جمادی‌الثانی ۱۳۲۹ قمری نظام‌نامه طبابت منتشر شد (۱۹) و بر اساس آن، تمامی تحصیل‌کردگان داخل و خارج موظف به دریافت جواز شدند. صدور مجوز به این معنا نبود که



تصویر ۳: اجازه‌نامه طبابت میرزارحیم‌خان مشیرالاطبایا، سال ۱۳۳۴ قمری در دوره قاجار. ساکما - ش ۲۲۸۵۴-۲۹۷.



تصویر ۴: اجازه‌نامه طبابت میرزا جواد یوسفی، سال ۱۳۰۸ شمسی در دوره پهلوی اول. ساکما - ش ۰۰۰۸-۰۴۳۵-۲۹۷.

طب» به رسمیت شناخته شد که نشان‌دهنده گذراندن دوره‌های پایه پزشکی توسط فرد بود. تصویر ۵ تصدیق‌نامه دارالفنون به همراه متن انگلیسی، دیپلم چهارساله پزشکی که نمودار پیشرفت سالانه فرد است و اجازه‌نامه طبابت میرزاموسی‌خان طیب‌زاده را نشان می‌دهد.

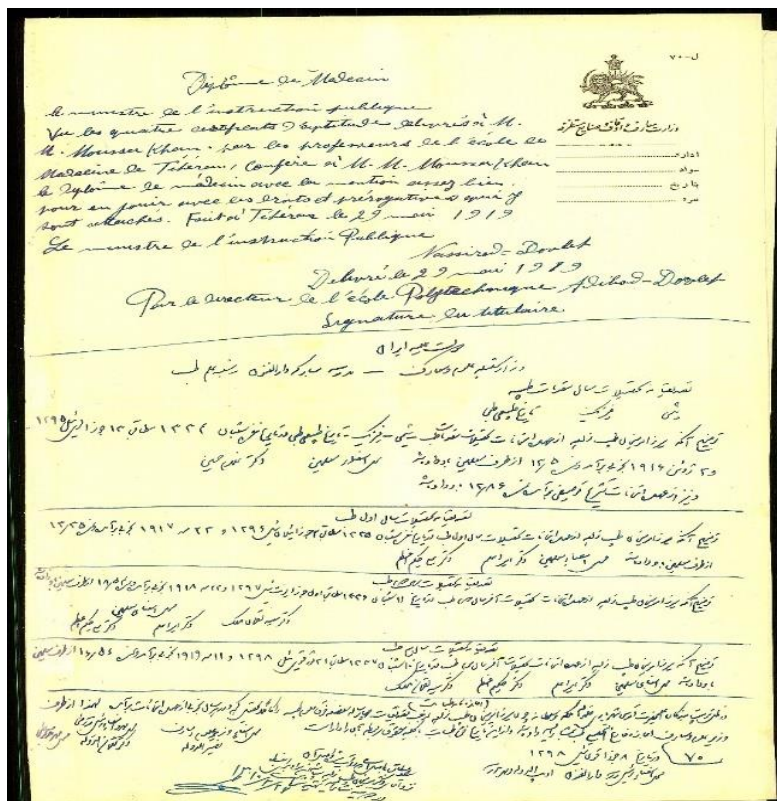
۲-۳. **ورقه هویتی:** این برگه توسط اداره احصائیه و سجل احوال صادر می‌شد و شامل اطلاعات شخصی فرد اعم از نام و نام خانوادگی، نام پدر، محل تولد و محل سکونت بود که توسط این نهاد تأیید می‌گردید (۲۹).

۳-۳. **تقاضانامه:** پزشک می‌بایست طی نامه‌ای رسمی، درخواست صدور اجازه‌نامه خود را ارائه داده و خلاصه‌ای از فعالیت‌های حرفه‌ای خود را نیز ذکر کند (تصویر ۵). پس از بررسی دقیق، در صورت احراز شرایط، جواز صادر می‌گردید و در غیر این صورت، طی مکاتبات رسمی عدم صلاحیت فرد اعلام می‌شد (تصاویر ۶ و ۷).

پس از تأسیس دانشگاه در سال ۱۳۱۳ شمسی و تشکیل دانشکده پزشکی، دانشجویان بسیاری زیر نظر استادان مجرب آموزش دیدند و تعداد زیادی نیز برای ادامه تحصیل به اروپا اعزام شدند (۲۴). در این دوره که ایران به سمت مدرنیزه‌شدن حرکت می‌کرد، قوانین دیگری، از جمله تمدید اجازه‌نامه، آیین‌نامه امتحانات دندان‌سازی و داروسازی و استخدام اطباء خارجی به تصویب مجلس شورای ملی رسید (۶).

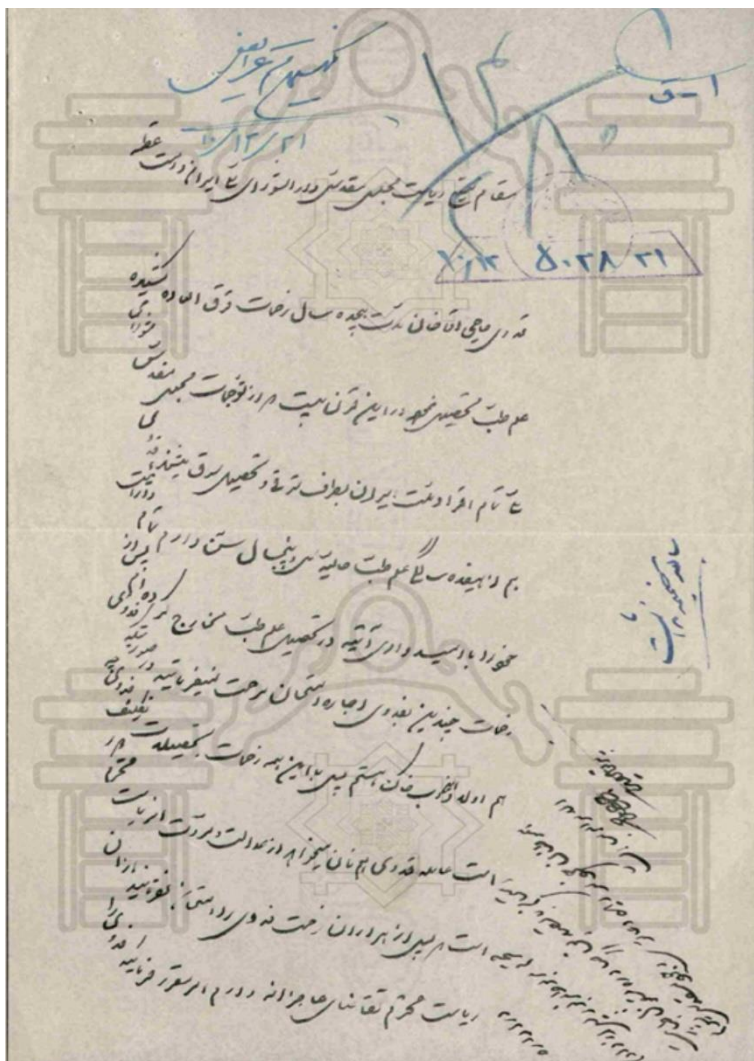
۳. **بررسی محتوایی مجوزهای طبابت:** فرایند صدور مجوز بدین روال بود که ابتدا می‌بایست اطباء مدارک خود را به وزارت معارف تقدیم نمایند. این مدارک شامل دیپلم طبی، درخواست طبیب مبنی بر صدور جواز، رسید پرداخت تمبر، ورقه هویتی و عکس اشخاص بود.

۳-۱. **دیپلم طبی:** دارابودن دیپلم طبی چهارخانه یکی از مشخصه‌های لازم و ضروری بود. متقاضیان فعالیت در حرفه پزشکی می‌بایست دروس نظری را در مدرسه دارالفنون گذرانده باشند. در دوره پهلوی اول، مفهوم «دیپلم دکتری

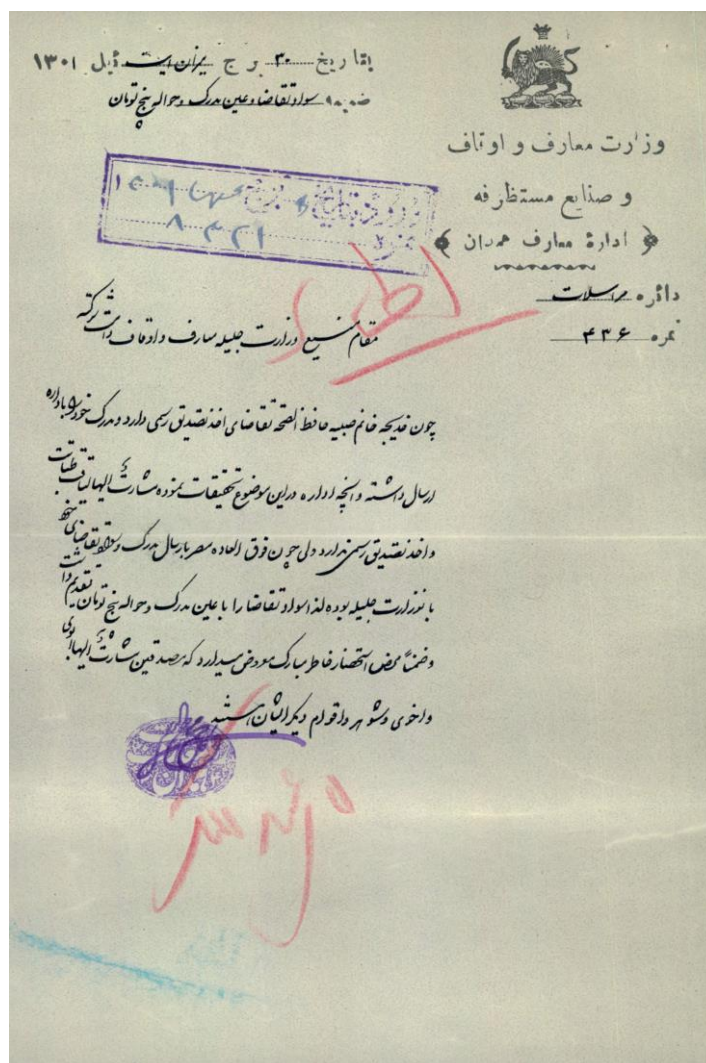


تصویر ۵: دیپلم طبی میرزا موسی‌خان طیب‌زاده، سال ۱۳۳۴ قمری در دوره قاجار.

ساکما - ش ۰۰۱۲-۰۲۳۳۹۵-۰۲۹۷.



تصویر ۶: تقاضای صدور اجازه‌نامه طبابت ابوتراب حکیم‌زاده، در سال ۱۳۱۰ شمسی دوره پهلوی اول. کتابخانه مجلس (کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی) - ش ۸/۳۲/۳۲/۱/۲۴-۱۰۱۱.



تصویر ۷: مکاتبه مربوط به خدیجه خانم صبیبه حافظ‌الصحه در سال ۱۳۰۱ قمری که اعلام شده فرد صلاحیت اخذ تصدیق‌نامه طبابت را ندارد.

ساکما - ش ۰۰۰۳-۰۲۲۸۲۳-۰۲۹۷.

مجوز طبابت میرزااجواد یوسفی تصریح شده بود که وی تنها مجاز به طبابت به روش سنتی است.

۴- بررسی شکلی مجوزهای طبابت: همانطور که بررسی محتوای اسناد حائز اهمیت است، توجه به ویژگی‌های ظاهری آنها نیز ضروری می‌باشد، هرچند در پژوهش‌های پیشین کمتر به این موضوع پرداخته شده است.

خطوط مورد استفاده در اسناد مجوزهای طبابت دوره قاجار عمدتاً نستعلیق بود و با قلم و مرکب نوشته می‌شد، حال آنکه در دوره پهلوی اول از خط شکسته نستعلیق و تحریری استفاده می‌گردید یا متون به صورت تایپی با محتوای یکسان

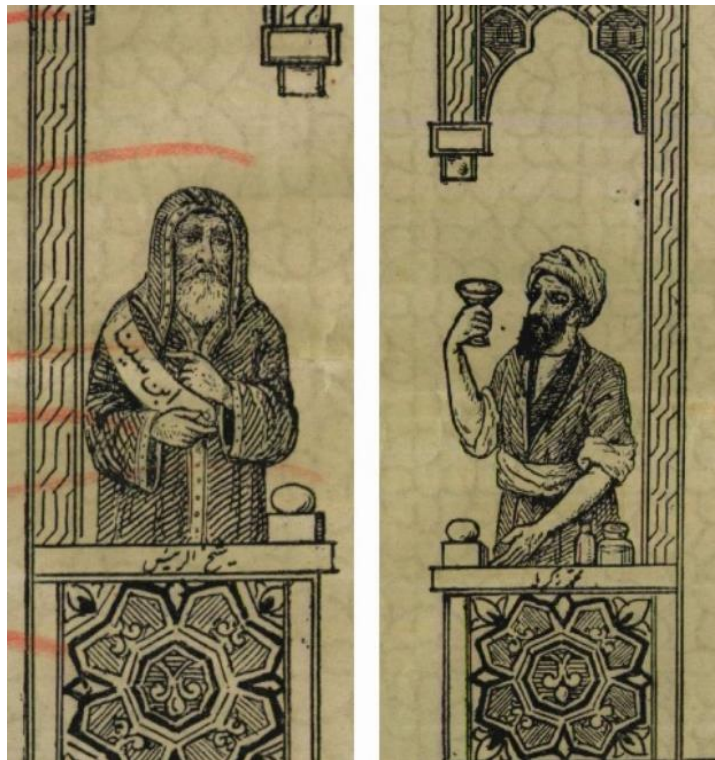
۳-۴. رسید پرداخت هزینه تمبر: بر اساس ماده دوم قانون‌نامه طب، پزشکان می‌بایست مبلغ پنج تومان را به صندوق اداره مالیه پرداخت و رسید آن را به پرونده خود الصاق نمایند تا جواز طبابت برایشان صادر گردد (۳۰).

۳-۵. تصدیق‌نامه‌های طبابت: مجوزهای طبابت عموماً دارای محتوای یکسانی بودند و تنها تغییرات جزئی در آنها اعمال می‌شد. این جوازها به دارنده اجازه می‌داد در هر شهری که مقیم است به طبابت بپردازد، البته برای برخی پزشکان به صورت خاص طراحی شده بود که تنها در یک حوزه جغرافیایی مشخص مجاز به فعالیت بودند. به عنوان مثال، در

پزشکان نامداری چون ابن سینا و محمد زکریای رازی بود، در حالی که مجوزهای پزشکان مدرن دارای شمایی از فرشتگان بود. پیشینه استفاده از نقش فرشته به دوران باستان و الهام از الهه نیکه در یونان بازمی‌گردد که معمولاً به صورت بانوی بالدار تصویر می‌شد. بال نماد سرعت، توانایی پرواز و پیروزی بود و ترسیم فرشته بر اسناد مجوزها نشان‌دهنده پیروزی پزشک در آزمون پزشکی محسوب می‌شد (۳۲). تصویرسازی فرشته در دوره قاجار متأثر از مفاهیم دینی اسلام بود (۳۳) (تصاویر ۸ و ۹).

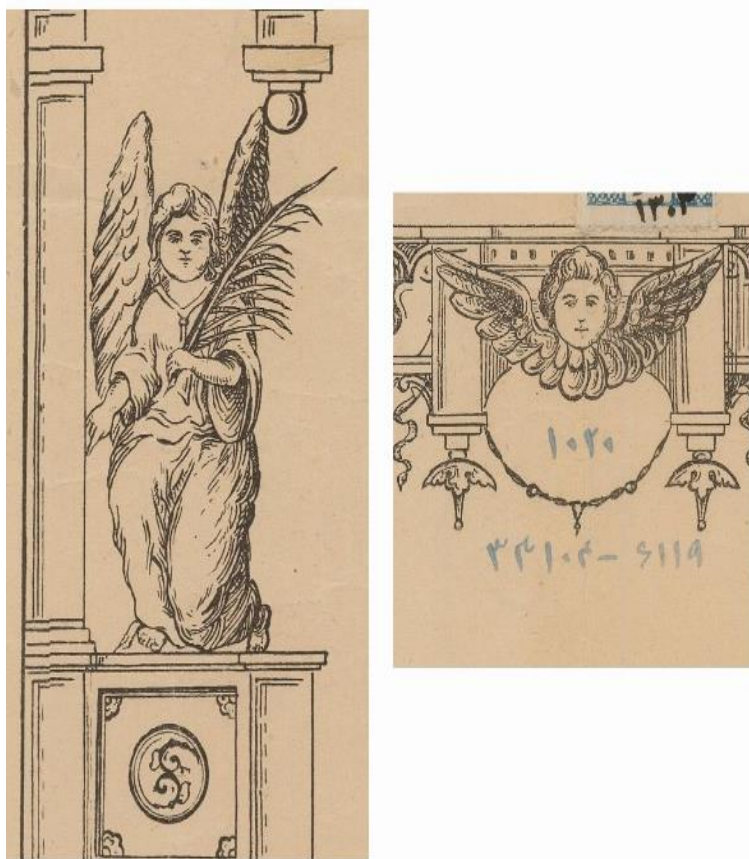
تهیه و تنها قسمت‌های مربوط به نام پزشک، شهر و تاریخ به صورت دستی تکمیل می‌شد.

اطبا درخواست‌های خود را روی کاغذهای معمولی فاقد سربرگ یا نشان خاص می‌نوشتند، اما اسناد اصلی صادره از وزارت معارف بر روی کاغذهای ضخیم و بادوام با کادری طراحی‌شده تنظیم می‌گردید (۳۱). همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، پزشکان سنتی می‌توانستند در آزمون ویژه‌ای شرکت کرده و در صورت قبولی به صورت قانونی به فعالیت خود ادامه دهند. مجوزهای صادره برای آنان حاوی تصاویری از



تصویر ۸: تصاویر ابن سینا و محمد زکریا رازی در جواز اطبا به سبک قدیم.

ساکما - ش ۰۰۰۸-۰۴۳۵-۰۲۰۰۴۳۷-۲۹۷.



تصویر ۹: نقش فرشته در مجوز طبیبان به سبک جدید.

ساکما - ش ۰۰۰۴-۰۲۲۸۴۸-۰۲۹۷.

به اوج گرمای خود می‌رسد (۳۴). کسروی نیز به باورهای اخترشناسان باستانی در این زمینه اشاره کرده است (۳۵). این علامت به عنوان نشان رسمی حکومت در مجوزهای دولتی مورد استفاده قرار می‌گرفت و وجه تمایزی با مجوزهای غیر دولتی محسوب می‌شد (تصاویر ۱۰ و ۱۱).

مبحث دیگر، نقش شیر و خورشید است. شیر از دیرباز در باورهای انسانی جایگاه ویژه‌ای داشته و نمونه‌های آن در هنر ایران باستان به وفور یافت می‌شود. خورشید نیز نماد زندگی، پاکی، روشنایی، رشد گیاهان و جاودانگی بود (۳۴)، اما دلیل ترکیب این دو نماد چیست؟ منابع مختلف دلایلی ذکر کرده‌اند، از جمله اینکه شیر نماد برج امرداد است و خورشید در این ماه



تصویر ۱۰: علامت شیر و خورشید در تصدیق طبابت - سال ۱۳۳۴ قمری در دوره قاجار. ساکما - ش ۲۲۸۵۴-۰۲۹۷.



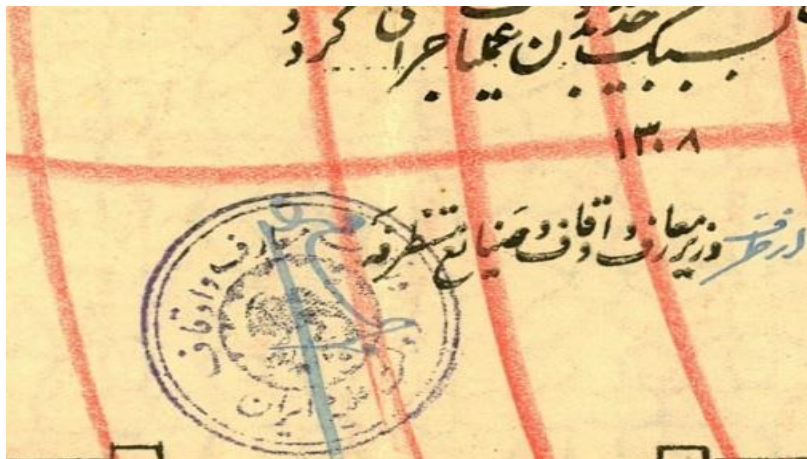
تصویر ۱۱: علامت شیر و خورشید در سند جواز - دوره پهلوی اول سال ۱۳۰۸. ساکما - ش ۲۱۶۴۳-۰۰۶۷-۰۲۹۷.

قاجار مفهوم توشیح وجود داشت که در آن پادشاه در حاشیه فرمان‌ها عبارت «صحیح است» را می‌نوشت. این رسم به مرور زمان به امضای کنونی تبدیل شد (۳۹). در انتهای اسناد مجوزها، امضا و مهر رییس کل و وزیر معارف مشاهده می‌شد و همچنین محل الصاق نسخه را مشخص می‌کردند (تصاویر ۱۲ و ۱۳).

آنچه به سند اعتبار می‌بخشد، مهر است. در ایران استفاده از مهر پیشینه‌ای طولانی دارد و افراد برای نشان دادن مالکیت خود بر اشیاء به ساخت مهر روی آوردند (۳۶). نقش و متن مهر نشان‌دهنده موقعیت و جایگاه اجتماعی فرد بود (۳۷). پس از مشروطه، به تدریج و تحت تأثیر ارتباط با اروپا، امضا به شکل امروزی در ایران رواج یافت (۳۸)، هرچند پیش از آن در دوره



تصویر ۱۲: محل مهر و امضای رئیس کل معارف

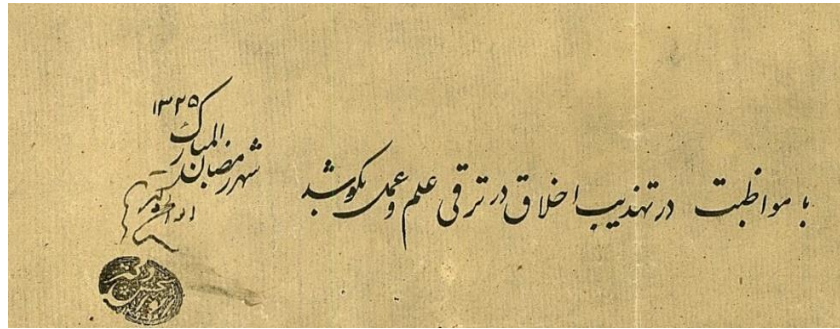


تصویر ۱۳: محل مهر و امضای وزیر معارف و اوقاف.

ساکما - ش ۰۰۰۲-۰۲۲۷۸۶-۰۲۹۷.

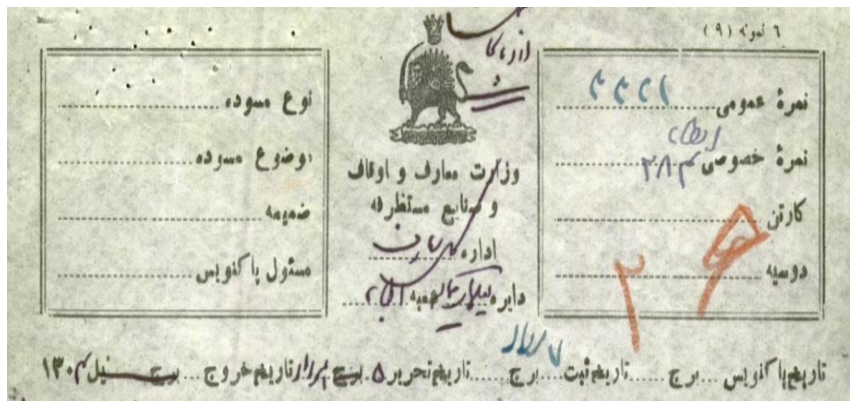
«هجری شمسی» به عنوان تقویم رسمی کشور پذیرفته شد. بر اساس قانون مصوب ۱۱ فروردین ۱۳۰۴ شمسی، مجلس شورای ملی از نوروز همان سال تقویم «هجری شمسی» را جایگزین تقویم «شمسی برجی» کرد و مبدأ آن اول فروردین سال هجرت پیامبر تعیین گردید (۴۲) (تصویر ۱۵).

درج تاریخ در اسناد دیوانی، نامه‌ها، کتیبه‌ها و پایان‌نامه‌ها نقش اساسی دارد (۴۰). در مجوزهای دوره قاجار، تاریخ بر اساس گاه‌شماری قمری و به صورت روز - ماه - سال نوشته می‌شد که مبدأ آن اول محرم سال هجرت پیامبر از مکه به مدینه بود (۴۱) (تصویر ۱۴). در دوره پهلوی اول، تقویم



تصویر ۱۴: درج تاریخ قمری در اجازه‌نامه طبی - دوره قاجار.

ساکما - ش ۰۰۰۳-۰۲۱۶۴۸-۰۲۹۷.



تصویر ۱۵: درج تاریخ هجری شمسی در اجازه‌نامه طبی - دوره پهلوی اول.

ساکما - ش ۰۰۰۲-۰۳۲۷۲۴-۰۲۹۷.

پزشکان به مجوزها بود. با اجباری شدن الصاق عکس به اسناد هویتی، تصدیق‌نامه‌های طبابت نیز می‌بایست دارای عکس می‌شدند (۴۳). پزشکان می‌بایست در کنار سایر اسناد، عکسی نیز به وزارت معارف تقدیم می‌کردند که در قسمت بالا سمت چپ سند الصاق می‌گردید.

تمبر نیز بر روی مجوزهای طبابت الصاق می‌گردید که نشان‌دهنده پرداخت هزینه‌های مربوطه بود. این تمبرها عمدتاً به رنگ‌های سبز و آبی ۵ تومانی با نشان شیر و خورشید و عبارت دولت علیه ایران بودند که در انتهای متن الصاق می‌شدند (تصویر ۱۶). آخرین ویژگی ظاهری، الصاق عکس

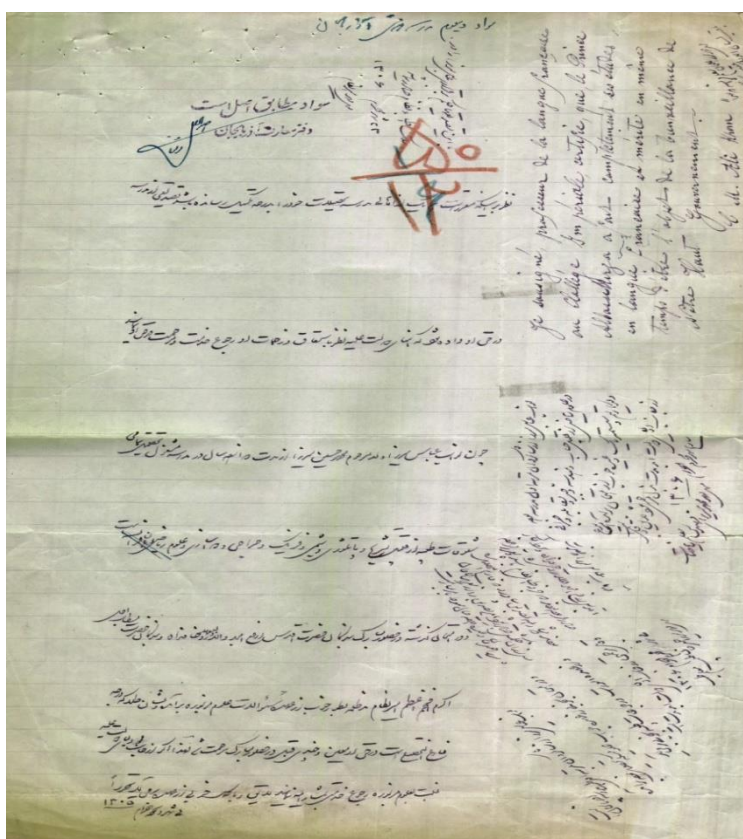


تصویر ۱۶: تمبر ۵ تومانی اجازه‌نامه طبابت دوره قاجار و پهلوی اول.

### ۵. بررسی تصدیق‌نامه چند تن از رجال طبی

۱-۵. عباس میرزا خاقانی: او به مدت دوازده سال در مدرسه دارالفنون تبریز مشغول به تحصیل بود و تمامی ملزومات طبیه از قبیل تشریح، پاتولوژی، شیمی، فیزیک، جراحی، دواسازی و

ریاضی را فراگرفت. همچنین در زبان انگلیسی و فرانسه متبحر بود و نشان طلا از مظفرالدین میرزای ولیعهد دریافت کرد. وی پس از قبولی در آزمون، شایسته رجوع در اعمال طبی معرفی شد (تصویر ۱۷).

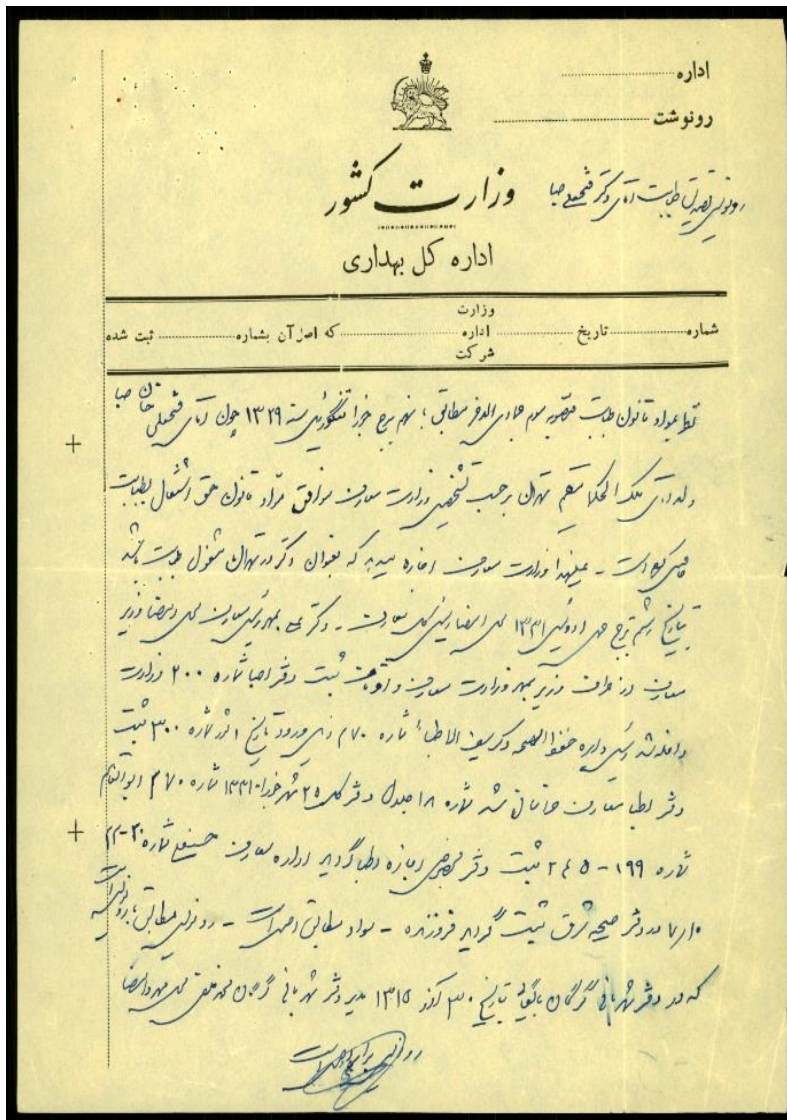


تصویر ۱۷: مجوز طبابت عباس میرزا خاقانی که نشان طلا از مظفرالدین میرزا در سال ۱۳۰۵ قمری دریافت کرده است.

ساکما - ش ۲۲۸۱۳-۰۲۹۷.

گذراند، علم طب و جراحی و همه شاخه‌های مربوط به آن را نزد نظام‌الحکما طی کرد و تصدیق‌نامه‌ای به او اعطا شد (تصویر ۱۸).

۲-۵. فتحعلی‌خان صبا: وی فرزند محمدحسن‌خان ملک‌الحکما و از نوادگان فتحعلی صبای شاعر است (۶). او با تشویق پدر به حرفه پزشکی وارد شد و توانست در فن طبابت حاذق شود. فتحعلی‌خان علوم مقدماتی را در مدرسه دارالفنون

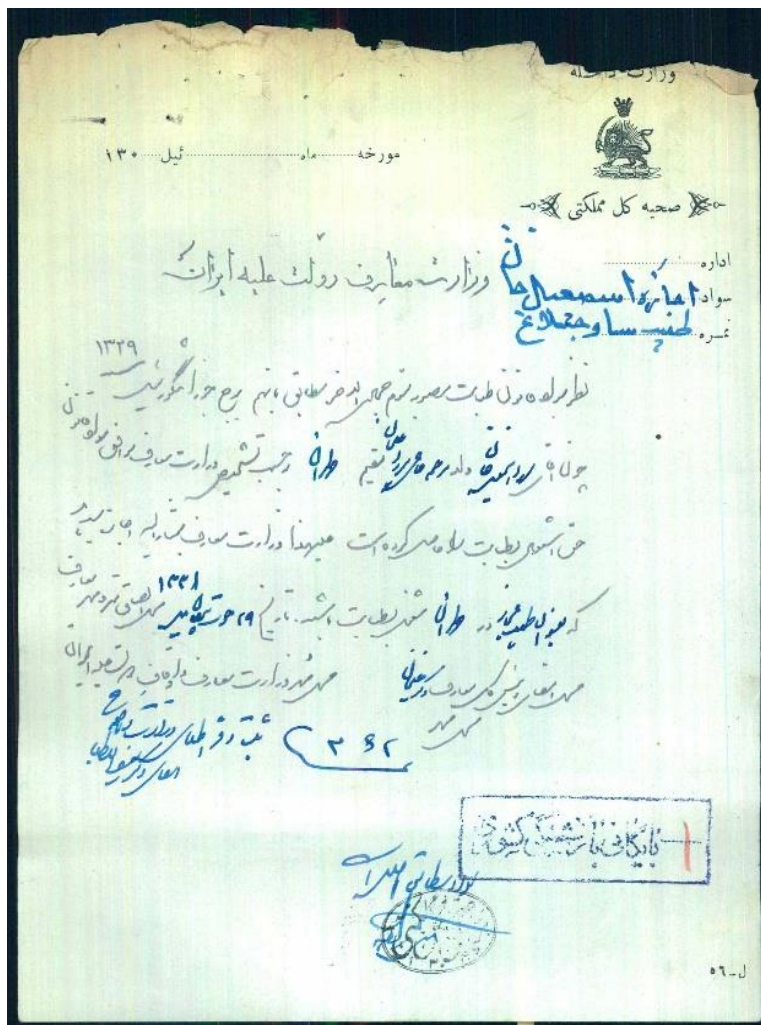


تصویر ۱۸: سواد اجازه‌نامه فتحعلی‌خان صبا، سال ۱۳۳۱ ه.ق در دوره قاجار.

ساکما - ش ۰۰۳۸-۰۳۹۷۸۸-۰۲۹۷.

۱۹). شواهد نشان می‌دهد که این پزشک در دوره پهلوی اول به عنوان طبیب صحتی و آبله‌کوب در ساوجبلاغ به مدت ۶ ماه در مهرماه ۱۳۰۶ شمسی استخدام شده است (۴۴).

۳-۵. میرزا اسمعیل‌خان: وی فرزند حاجی میرزا علیخان، یکی از اطباء صاحب‌نام در دوره قاجار بود. او در ۲۹ حوت سال ۱۳۳۱ قمری موفق به دریافت پروانه طبابت شد (تصویر

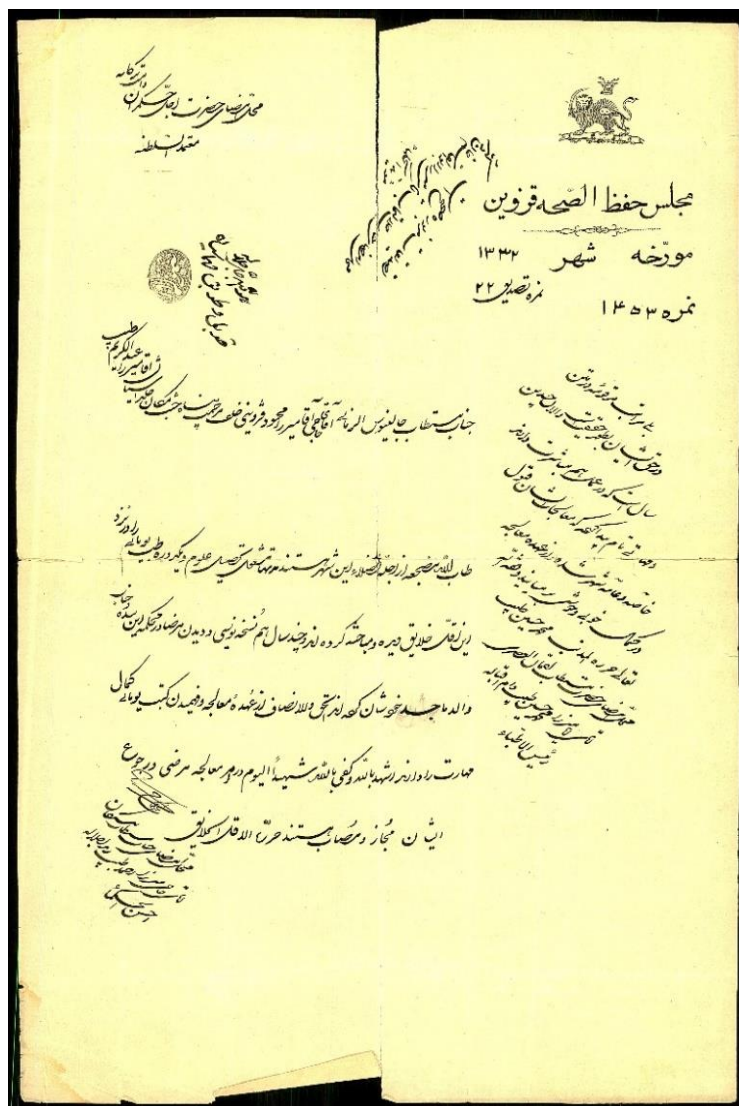


تصویر ۱۹: اجازه‌نامه اسمعیل خان طبیب ساوجبلاغ، سال ۱۳۳۱ قمری در دوره قاجار.

ساکما - ش ۰۰۰۶-۱۸-۱۲۰-۲۵۱.

کلاس درس میرزا احمد، احسن‌الحکما، فراگرفت (تصویر ۲۰). در اواخر حکومت قاجار در شهر قزوین ساکن بود و جهت تکمیل تحصیلات طبی به فرانسه اعزام شد.

۴-۵. میرزا محمود قزوینی: پدرش عبدالکریم نام داشت و از طبیبان مشهور دوره قاجار بود. وی پس از پایان دروس مقدماتی در محضر پدر، علم طب قدیم و جدید را با حضور در



تصویر ۲۰: تصدیق طبابت میرزا محمود قزوینی که توسط احسن‌الحکمای طبیب، سال ۱۳۳۲ قمری در دوره قاجار صادر شده است. ساکما - ش ۰۰۰۲-۰۳۱۰۹۵-۰۲۹۷.

۵-۵. میرزا فضل‌الله وثوق‌الحکما: او نزد پدرش حاجی میرزا محمد ملقب به امین‌الحکما، طب قدیم را آموخت و در کلینیک طبیبان صاحب‌نامی چون رکن‌الحکما، نظام‌الحکما،

مؤتمن‌الأطبا، سیدابراهیم طباطبایی و اعتماد‌الحکما به فراگیری طب جدید و جراحی پرداخت. وی اجازه‌نامه رسمی را در سال ۱۳۳۴ قمری دریافت کرد (تصویر ۲۱).



تصویر ۲۱: اجازه‌نامه میرزا وثوق‌الحکما، سال ۱۳۳۴ قمری در دوره قاجار. ساکما - ش ۰۰۰۷ - ۰۲۴۶۸۴ - ۰۲۹۶.

### نتیجه‌گیری

نظام پزشکی در دوره قاجار بر پایه روش‌های سنتی و آمیخته با باورهای خرافی و موهومات استوار بود که در برخی موارد به قیمت جان مردم تمام می‌شد، اگرچه موضوع تصدیق پزشکی و آزمون صلاحیت اطباء پیش از این، در دوران خلفای عباسی، خوارزمشاهیان و صفویه نیز مطرح شده بود، اما تلاش‌های انجام‌شده به نتایج ملموسی منجر نشد تا اینکه در دوره صدارت امیرکبیر، این مسأله بار دیگر به صورت جدی و عملی پیگیری گردید.

آشنایی با نهادهای آموزشی مدرن غرب، تأسیس مدرسه طب، و حضور پزشکان تأثیرگذار، زمینه‌گذار از طب سنتی به پزشکی مدرن را فراهم کرد. وقوع انقلاب مشروطه و تشکیل مجلس شورای ملی و تصویب قوانین مربوط به طبابت و الزام پزشکان به دریافت پروانه، در کانون توجه قرار گرفت. با انتشار این نظام‌نامه، پزشکان مدارک خود را به وزارت معارف ارسال می‌کردند تا پس از طی فرآیند اداری، مجوز لازم را دریافت

نمایند. تداوم این روند، به تدریج فعالیت پزشکان فاقد صلاحیت را محدود کرد و وسیله‌ای برای حذف تدریجی آنان شد.

تصدیق‌نامه‌ها در دوره قاجار به سه دسته تقسیم می‌شدند: ۱- اجازه‌نامه شاگردانی که نزد پزشکان معروف آموزش دیده و صلاحیت آنان توسط استادشان تأیید می‌شد؛ ۲- تصدیق‌نامه‌های صادره از دارالفنون؛ ۳- اجازاتی که پس از تصویب قانون‌نامه طبی صادر می‌شد.

در دوره پهلوی اول، روند مدرن‌سازی در حوزه بهداشت و درمان تداوم یافت. تأسیس دانشکده پزشکی، احداث بیمارستان‌های متعدد و پرورش دانشجویان مستعد در محیط‌های عملی و آموزشی، باعث کسب تجربه کافی توسط آنان شد. اصلاح قوانین پزشکی موجب تداوم روند اعطای پروانه‌ها در این دوره گردید. پزشکان می‌بایست در آزمون‌های مشخصی شرکت کنند و پس از قبولی، به صورت رسمی و قانونی به فعالیت بپردازند.

بررسی محتوایی و شکلی اسناد پروانه‌های طبابت نشان می‌دهد که دستورالعمل واحدی برای صدور این مجوزها وجود داشته و این فرآیند در نهایت کمک شایانی به ارتقای وضعیت بهداشت، درمان و سلامت جامعه نمود.

لازم به ذکر است مقاله حاضر بخشی از طرحی با عنوان «سندشناسی مجوزهای طبابت و فرآیند صدور آنها از دوره قاجار تا پایان پهلوی اول» می‌باشد که در گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران به ثبت رسیده است.

### مشارکت نویسندگان

حسن زندیه: ارائه ایده، نظارت و راهنمایی.

مائده سماواتی: نگارش مقاله.

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

### تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

### تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

### تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

### بیانیه هوش مصنوعی

در نگارش مقاله حاضر، از هوش مصنوعی استفاده نشده است.

## References

1. Pouyan N, Farouhi A, Abbasi M. History of Medicine and Physicians of Gilan. Tehran: Hoghoughi Publications; 2010. p.38. [Persian]
2. Lambton A. Qajar-era Iran. Translated by Fasihi S. Tehran: Javidan Kherad Publications; 1996. p.46. [Persian]
3. Shams Ardakani MR, Dezfuli M, Ghasemlou F, Farjamand F. The History of Medicine from Ancient Times to Dar al-Funun in Tehran. Tehran: Academy of Sciences Publications; 2014. p.282. [Persian]
4. Nabipour I. Avicennan Medicine to Modernity in Qajar Iran. Boushehr: Medical Sciences Publications and Healthcare Services; 2012. p.11. [Persian]
5. Ganjbakhsh Zamani M. The History of Medicine in the Qajar Era as Document in Historical Records. Tehran: Hoghoughi Publications; 2013. p.343. [Persian]
6. Roustaie M. The History of Medicine and Medical Profession (From the Qajar Dynasty until the End of Reza shah's Reign) Based on the Documentation. Tehran: The National Library and Archives of Iran (NLI); 2003. Vol.1 p.45, 55, 92, 155. [Persian]
7. Abdolahtabar H, Sajjadi H. Social Policy and Changes in the Health System in Iran. Social Welfare Quarterly. 2024; 24(94): 9-48. [Persian]
8. Mokhtari R, Abbasi E. National health and modernization programs in Iran. Res Hist Med. 2022; 11(4): 270-290.
9. Zandiyeh H, Ahmadi Rahbariyan H, Khan Ahmadi M. A Study on the Status of Medical Science and Practice in the Naseri Era. Social and Economic History Journal. Institute for Humanities and Cultural Studies. 2017; 6(1): 25-38. [Persian]
10. Touli F, Pourmohammadi Amlashi N, Delerish B, Talebi T. Introduction of Modern Medicine and Its Evolutionary Aspects in Iran, Qajar Era (with emphasis on pictorial Manuscripts). Journal of Scientific Research in Islamic Art Studies. 2018; 15(34): 129-153. [Persian]
11. Rene Dalmani H. Travelogue from Khorasan to Bakhtiari. Translated by Farvashi M. Tehran: Amir Kabir Publications; 1956. p.591. [Persian]
12. Ashori M. An Analytical History of the Iranian Medical Press during the Qajar Era. Tehran: Oghyanous Elm Publications; 2021. p.12. [Persian]
13. Olivier M. Travelogue Olivier. Translated by Tahermirza M. Tehran: Etefaat Publications; 1992. p.81. [Persian]
14. Brown A. Islamic medicine. Translated by Rajabnia M. Tehran: Book Publications; 1958. p.55. [Persian]
15. Qifti A. History of the Philosophers (Persian Translation From the 11th Hijry Century). Tehran: Tehran University Publications; 1992. p.265. [Persian]
16. Elgood C. Medical History of Iran. Translated by Javidan M. Tehran: Eghbal Publications; 1973. p.350-356. [Persian]
17. Elgood C. Medicine in the Safavid Period. Translated by Javidan M. Tehran: Tehran University Publications; 1978. p.151. [Persian]
18. Dolat Aliye Iran Newspaper. 1863; 541: 3. [Persian]
19. Debates of the Second National Assembly. Meeting 252.1911. [Persian]
20. Hamedani F. Gholgon Newspaper. Tehran: The National Library and Archives Republic of Iran (NLI); 2014. p.56-57. [Persian]
21. The Executive Bylaw of the Medical Practice Act. Ministry of Education. Endowments and Fine Arts Industries; 1927. [Persian]
22. Jalalshokohi J. History of Medicine and Medical profession in the Maraghe From the oldest Era to contemporary. Tehran: Bonyad shokouhi Publications; 2019. p.51. [Persian]
23. Tajbakhsh H. History of Medicine in the naseri period. Tehran: Attar Publications; 1985. p.416-560. [Persian]
24. Hedayati J. History of Contemporary Medicine in Iran. Tehran: Medical Sciences and Healthcare Services of Iran; 2002. p.37-38, 59, 95. [Persian]
25. Mahboubi Ardakani H. The History of Modern Civilizational Institutions in Iran. Tehran: University of Tehran Publications; 1991. Vol.1 p.309. [Persian]
26. Mashkoor MJ. The History of Tabriz Until the End of the Ninth Century. Tehran: National Monuments Society; 1973. p.299-301. [Persian]
27. Mohammad Hassan Khan Etemad-al Saltane. Forty Year of Iran's History during the Reign of Naser al-Din Shah: Ma'aser va al-asar. Critical Edition by Afshar E. Tehran: Asatir Publications; 1983. Vol.1 p.157. [Persian]
28. Sardarainia S. Dar al-Fonun of Tabriz (The Second Institution of Higher Education in Iran). Tabriz: Neday-e Shams Publications; 1947. p.13. [Persian]

29. The Document Center and the National Library Archive. Document No.230-057200-0074. [Persian]
30. The Document Center and the National Library Archive. Document No.297-035943-0008. [Persian]
31. Heravey NM. History of Manuscript Production and Textual Criticism. Tehran: The Library, Museum and Archives of Iran's Islamic Parliament; 2000. p.250. [Persian]
32. Nasrollahzadeh S, Nabatimazlomi Y. The Historical Background of the Goddess Nike The Winged Angel: Continuity of a Motif from the Parthian to the Qajar Era. Research in Historical Studies. 2016; 8(2): 115-134. [Persian]
33. Safarzadeh N, Ahmadi B. A Study of Angel Depictions in Qajar Period Paintings. Art Research Quarterly (Faculty of Art Shoushtar, Shahid Chamran University of Art Ahvaz). 2014; 3(5): 47-56. [Persian]
34. Enqatae N. The Lion and Sun emblem three thousand year old Symbol. Los Angeles: No Name; 1997. p.34. [Persian]
35. Kasravi A. History of the Lion and Sun. Tehran: Paksh-e Ketab Publications; 1977. p.13. [Persian]
36. Mohammadi Zadeh A. An Analysis of Women's Seals during the Qajar Period. Academic Monthly for Research in Arts and Humanities. 2020; 5(28): 1-10. [Persian]
37. Rezaei O. Study of Sharia Documents from the Qajar period. Tokyo: Institute for the Study of Asian and African Languages and Cultures University of Foreign Studies; 2008. p.18. [Persian]
38. Pourershad N. Signature in the Law of Iran. Journal of Private Law. 2013; 1(1): 161-184. [Persian]
39. Qaem Maghami J. Introduction to Understanding Historical Documents. Tehran: Anjoman-e Asar-e Meli Publications; 1971. p.230. [Persian]
40. Ghasemlou F. Callender and Chronology. Tehran: Ketab-e Marja Publications; 2010. p.101, 199. [Persian]
41. Malekpour E, Sayad MR. Comparative Calander. Tehran: Institute of Geophysics, University of Tehran; 1991. p.8. [Persian]
42. Roustaie M. The History of Iran's First Academy as Told by Documents, Including Approved and Lost Terms of the Academy. Tehran: Ney Publications; 2006. p.84. [Persian]
43. Torabi N. Iranian Photographs the 1920 to 1940. Creative Photography. 2005; 3: 58. [Persian]
44. Sarmad GH. Dispatching Students Abroad (During the Qajar Era). Tehran: Bonyad Publications; 1993. p.49. [Persian]